Extramarital Affairs of Women with an Emphasis on Interpersonal Factors

Masoomeh Mayeli: Ph.D. Candidate, department of social work, school of social sciences, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran. mayeli_m20@yahoo.com

Talat Allahyari*: Associate professor, department of social work, faculty of social sciences, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran. allahyari@atu.ac.ir

Mohammad Taghi Karami: Associate professor, women's studies group, faculty of social sciences, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran. karami@atu.ac.ir

Faramarz Sohrabi: Professor, department of clinical psychology, faculty of psychology and educational sciences, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran. sohrabi@atu.ac.ir

Abstract

Introduction: Extramarital affairs are one of the most important threats to the stability and continuity of marriage and one of the most severe causes of marital disputes. Divorce is another critical issue that affects and damages the functioning of the family. Accordingly, this study aims to understand extramarital relationships in women and seek effective causes of it.

Methods: This is a qualitative study using the qualitative content analysis method. Based on theoretical saturation criteria, thirty-four women participated in this study. A semi-structured interview method was used to collect information.

Results: After analyzing the content of the information obtained from the interviews, the themes of disruption in love and feeling of belonging to the spouse, lack of alignment and companionship, low quality of sexual intercourse, and dysfunctional relationships were identified as the main themes.

Conclusions: The occurrence of extramarital affairs in women is not a one-dimensional phenomenon but the result of the several factors' interaction, plus the role of interpersonal factors is fundamental. Due to the nature of these factors, paying attention and providing the necessary training to couples in this field can play a decisive role in reducing extramarital affairs.

Keywords

Extramarital Affairs

Social Work

Women

Qualitative Research

*Corresponding Author

Study Type: Original
Received: 10 Jul 2020
Accepted: 04 Nov 2020

Please cite this article as follows: Mayeli M, Allahyari T, Taghi Karami M, and Sohrabi F. Extramarital affairs of women with an emphasis on interpersonal factors. Quarterly journal of social work. 2019; 9 (4); 50-61

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-10-10]

[DOR: 20.1001.1.1735451.1399.9.4.6.5]

روابط فرازناشویی زنان با تاکید بر عوامل بین فردی

معصومه مایلی: دانشجوی دکتری مددکاری اجتماعی، گروه مددکاری اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. mayeli_m20@yahoo.com

طلعت اله یاری*: دانشیار،گروه مددکاری اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. allahyari@atu.ac.ir

محمد تقی کرمی: دانشیار، گروه مطالعات زنان، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. karami@atu.ac.ir

فرامرز سهرابی: استاد، گروه روانشناسی بالینی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. sohrabi@atu.ac.ir

واژگان کلیدی

روابط فرازناشویی

مددکاری اجتماعی

زنان

تحقیق کیفی

چکیده

مقدمه: روابط فرازناشویی، یکی از مهمترین تهدیدات برای ثبات و تداوم زندگی مشترک و از عمده‌ترین دلایل بروز اختلافات زناشویی است. طلاق یکی از بحرانی‌ترین مساله‌هایی است که عملکرد خانواده را دچار تنش و آسیب می‌کند. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر شناخت روابط فرازناشویی در زنان و جستجوی زمینه‌های موثر بر آن بود.

روش: این پژوهش به شیوه کیفی و با استفاده از روش تحلیل محتوا انجام شده است. بر اساس معیار اشباع نظری، تعداد سی و چهار زن در این مطالعه شرکت کردند. برای گردآوری اطلاعات از روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد.

نتایج: با تحلیل محتوای اطلاعات حاصل از مصاحبه‌ها، مضامین خلل در عشق و احساس تعلق خاطر به همسر، ناهمسویی و ناهمراهی یکدیگر، کیفیت پایین رابطه جنسی و روابط ناکارآمد به‌عنوان مضامین اصلی شناسایی شدند.

بحث و نتیجه‌گیری: بروز روابط فرازناشویی در زنان، یک پدیده یک بعدی نیست بلکه حاصل تعامل عوامل متعددی است و در این بین نقش عوامل بین فردی، بسیار پر رنگ و اساسی است. با توجه به ماهیت این عوامل، توجه و عرضه آموزش‌های لازم به زوجین در این زمینه می‌تواند نقش تعیین کننده‌ای در کاهش روابط فرازناشویی داشته باشد.

* نویسنده مسئول

نوع مطالعه: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰٤/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۱٤

نحوه استناد به مقاله: معصومه مایلی، طلعت اله یاری، محمد تقی کرمی و فرامرز سهرابی. روابط فرازناشویی زنان با تاکید بر عوامل بین فردی. فصلنامه مددکاری اجتماعی، ۱۳۹۹؛ ۹ (٤): ٦١-٥٠

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-10-10]

[DOR: 20.1001.1.1735451.1399.9.4.6.5]

مقدمه

روابط فرازناشـویی یکی از مهمترین عوامل تهدید کننده ثبات، عملکرد و تداوم روابط زناشـویی بوده و به معنی برقراری صمیمیت جسـمی یا عاطفی با فردی خارج از رابطه و یکی از آسـیب‌هایی است که مددکاران اجتماعی، به‌طور گسترده‌ای در جریـان فرایندهای ارتباطی با افراد جامعه هدف خود با آن روبرو می‌شـوند. روابط فرازناشـویی معمولا با دو شـاخص که می‌تواند به‌طور همزمان یا به تنهایی وجود داشـته باشـند، شناسایی می‌گردد، اول شـاخص عاطفی که شامل ابراز علاقه به فردی غیر از همسـر اسـت و دوم شـاخص جسمانی که شـامل رابطه جنسی با فردی غیر از شـریک زندگی است. این عمل از نظر متخصصین حوزه‌های علوم انسـانی، یک حادثه آسـیبزا و چالش برانگیز در رابطه زناشـویی است که ساختار خانواده را دچار تنش می‌کند، احساس تعلق زناشـویی را تهدید کرده و یک عامل پیش‌بین مهم برای بروز خشـونت به‌شمار می‌رود و آسیب‌های روانی و اجتماعی فراوانی برای فرد، خانواده و جامعه ایجاد می‌کند. تعیین شیوع و عرضه آمار در مورد روابط فرازناشـویی دشوار اسـت، زیرا که یکی از ویژگی‌های روابط فرازناشویی، پنهانی بودن آن است، با این‌حال بر اساس پژوهش‌های انجام شـده، آمارهای موجود بیانگر آن است که روابط فرازناشـویی در حال افزایش است. در مورد آمار بروز روابط فرازناشـویی در ایران، متاسـفانه هیچ آمار واقعی در دسـت نیسـت با این حال برخی مطالعات و پژوهش‌های انجام شده از سوی سازمان‌های مختلف و پژوهشگران، به‌طور ضمنی به این موضوع اشاره کرده‌اند. به‌عنوان مثال بیشترین آمـار قتـل‌های خانوادگی که سی درصد است، به زنانی مربوط است که به‌دلیل رابطه نامشروع و سـوظن، توسط همسران خود به قتل رسیده‌اند. از سوی دیگـر، بیست و دو درصد از قتـل‌های خـانوادگی مربوط به قتل مردان توسط همسرانشان است که در چهل درصد، زنان با همدستی معـشوق خود، شوهرانشان را به قتل رسانده‌اند.[۱] در پژوهشی دیگری که در شهر البرز انجام شـد، نشـان داد، حدود سی و سه درصد از هشتصد و شـصت زن، به همسرشان خیانت می‌کردند که حدود بیست و چهار درصد از آنان از این عمل احساس شرمساری نمی‌کردند.[۲]

دیدگاه سیستمی: بر اساس دیدگاه سیستمی، روابط فرازناشویی به‌علت تضعیف روابط عاطفی و احساسی زوجین به‌وجود می‌آید. و هر دو نفر، مسوول ایجاد این وضعیت هستند. لذا فرد قربانی نیز تا حدوی مسوول خیانت همسر خود نیز شمرده می‌شود.

دیدگاه غیرسیسـتمی: در دیدگاه غیر سیستمی همسـران افرادی که روابط فرازناشویی داشته‌اند هیچ نقشی در روابط فرازناشویی همسرشان ندارند. اما همسران آن‌ها به‌منظور توجیه روابط نامشروعشان به گونه‌ای با آنان رفتار می‌کنند تا آن‌ها را وادار سازندکه در ازدواج نقش بسیار منفی ایفا کنند.(مومنی جاوید و شعاع کاظمی۱۳۸۹)

نظریه کنترل: به اعتقاد گلسـر زوجین زندگی مشترکشـان را با عشق شروع می‌کنند اما به مرور صمیمیت اولیه کم‌رنگتر می‌شود. زندگی برخی از زوج‌ها بعد از مدتی به جدایی کشیده می‌شود، اما بسیاری از زوجین به زندگی مشترکشان با آهنگی یکنواخت و ملال‌آور ادامه می‌دهند و ممکن اسـت برای تحمل این زندگی به پرخوری، مواد مخدر یا روابط فرازناشـویی، روی آورند. گلسر مهمترین انگیزه زن و مرد متاهلی که به سوی روابط فرازناشویی کشیده می‌شود، را تجربه مجدد صمیمیت می‌داند. جذابیت روابط فرازناشویی بدین دلیل است که هیچ یک از طرفین، عیب‌جویی، سرزنش، شکوه و تهدید نمی‌کنند.

نظریـه نقـص یا کمبود: از دیدگاه نظریه نقص یـا کمبود، زمانی که روابط در برخی موارد بـا کمبود و نقص، مانند نارضایتی زناشویی، ارضا نشدن نیازهای عاطفی و جنسی همراه باشد، ممکن است به روابط فرازناشویی منجر شود.

نظریه گسترش خود: طبق این نظریه گسترش خود یا رشد و شکوفایی شخصی، یک انگیزه مهم در روابط رمانتیک است. به اعتقاد آرون و نورمن، مدل گسترش خود، بر این نکته مبتنی است که افراد جهت تحقق خود، به برقراری روابط صمیمی و نزدیک می‌پردازند. یکپارچگی و ادغام افکار، ویژگی‌های شخصیتی و مهارت‌های فرد با همسرش، منجر به رشد و گسترش خود می‌شود که با رضایتمندی از رابطه و تعهد زناشویی همبستگی مثبت دارد. به‌عبارت دیگر در صورتی که فردی باور داشته باشد، رابطه فعلی در آینده از پتانسیل تحول وگسترش خود، برخوردار است، احتمال روابط فرازناشویی در وی بسیار کمتر می‌شود و بالعکس.

نظریه رفتار طراحی شده: بر اساس این نظریه، نگرش و هنجارهای اجتماعی و کنترل رفتاری ادراک شده، تمایلات و رفتار را پیش‌بینی می‌کند. به‌طور کلی، نگرش و هنجارهای اجتماعی نقش موثری در شـکل گیری رفتارها دارند. بنابراین نوع نگرش فرد به رابطه فرازناشویی، معنی‌دارترین پیش‌بینی کننده روابط فرازناشویی است.

نظریه همسان همسری: نیز استحکام ازدواج را ناشی از وجود ویژگی‌های همسان میان زن و شوهر می‌داند. همسانی

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-10-10]

DOR: 20.1001.1.1735451.1399.9.4.6.5]

میان دو فرد، نه تنها آنان را به سوی یکدیگر جذب می‌کند، پیوند آن‌ها را استوار می‌سازد و برعکس، ناهمسانی میان زوجین سرچشمه کشمکش‌ها و تنش‌های خانوادگی است.

نظریه برساخت گرایی: در این دیدگاه، واقعیت، حاصل فراگردهای اجتماعی مستمر بین افراد است. بر اساس رویکرد برساخت‌گرایی زوجین در فرایند ازدواج و زندگی مشترک بر اساس پنداشتی که از تعهد در این رابطه دارند و تفسیری که در هر موقعیت از آن به عمل می‌آورند، حفظ و بقا، یا از هم‌گسیختگی آن را تعیین می‌کنند. بر اساس این رویکرد، افراد باید آن دسته از شیوه‌های درک جهان از جمله درک خودشان را که بدیهی تلقی می‌کنند، به دیده انتقاد بنگرند و بپذیرند که انسان در جهان مدرن به‌عنوان کنشگری فعال با توجه به تجربه زیسته خود در حال برساختن و باز تولید جهان پیرامون خود است. این نگاه، به پژوهشگر کمک می‌کند تا با بررسی دیدگاه‌ها و تجارب زیسته زوجین به درک تعهد زناشویی از منظر کنشگران اجتماعی دست یابد.

نظریه کنش متقابل نمادین: دلیل اهمیت این نظریه، تمرکز خاص این رویکرد بر معانی ذهنی و نیز نقش روابط اجتماعی در شکل‌گیری پدیده‌هاست. بر اساس این نظریه افراد بر اساس فرایندهای معنی‌سازی که از طریق کنش متقابل اجتماعی و در ارتباط با افراد، اشیا و روابط اجتماعی شکل می‌گیرد، تاکید زیادی دارد و معتقد است ارتباط با خانواده، دوستان، جامعه موجب می‌شود افراد یک معنای شخصی در خصوص مسایل مختلف از جمله زندگی زناشویی به‌دست آورند. این رویکرد در بررسی نگرش افراد و نیز باور آنان، از اهمیت خاصی برخوردار است و درک ابعاد و معنایی که یک فرد در خصوص روابط زناشویی خود دارد، در درک و فهم رفتار و کنش‌های او موثر است و پایه مناسبی برای مطالعه فراهم می‌آورد.

شکل‌گیری مفهوم بین الاذهانی و بازنمایی پدیده روابط فرازناشویی، یکی دیگر از نشانه‌های افزایش روابط فرازناشویی در جامعه است. اشاره به افزایش آمار فرازناشویی از نظر روانشناسان و مشاوران خانواده، جامعه‌شناسان و مددکاران اجتماعی، در مطالعات و مشاهدات میدانی و افزایش آسیب‌های اجتماعی مرتبط با موضوع روابط فرازناشویی و انتشار مطالب علمی و پژوهشی در نشریات و رسانه‌های اجتماعی و فراوانی قابل توجه آثار سینمایی با تم روابط فرازناشویی نشان می‌دهد که شیوع روابط فرازناشویی در خانواده‌های ایرانی بیشتر از گذشته است.

از طرفی مشاهده میدانی در جریان مصاحبه‌های مددکاری اجتماعی با زوجین متقاضی طلاق، نشان‌دهنده فراوانی قابل توجه دادخواست‌های طلاق به‌علت روابط فرازناشویی است، به‌طوری که مصاحبه‌ها نشان می‌داد حدود شصت درصد از این دادخواست‌ها مربوط به روابط فرازناشویی است. نارضایتی از زندگی مشترک یکی از مهمترین عوامل برقراری روابط فرازناشویی از سوی زنان است به‌طوری که تنها سی و هشت درصد از زنانی که اقدام به رابطه فرازناشویی کرده بودند، از زندگی مشترک رضایت داشتند و پنجاه و دو درصد رضایت پایینی را گزارش نمودند.[۳] به‌نظر می‌رسد، انگیزه اغلب زنان، تامین نیازهای عاطفی و احساسی باشد[٤] و در مقایسه با مردان، دلایل پیچیده‌تری برای روابط فرازناشویی دارند[٥] و به‌دلیل ایجاد وابستگی عاطفی و روانی، بسیاری از زنان، قطع رابطه فرازناشویی خود را بسیار دشوار تلقی می‌کنند. روابط فرازناشویی به‌دلیل ماهیت خود جنبه‌های مختلف زندگی افراد را تحت تاثیر قرار می‌دهد و ممکن است باعث آسیب روانی شدیدی در فرد خاطی، همسر و فرزندان شود. افسردگی، اختلال استرس پس از سانحه، از دست دادن اعتمادبه‌نفس، تضعیف عملکرد در نقش‌های والدینی و مشکلات شغلی، آسیب به خود و دیگری از جمله این عواقب هستند. این نوع روابط آسیب‌های اجتماعی به همراه دارد و به‌عنوان یک مشکل اجتماعی رو به رشد، کانون خانواده‌ها را از هم می‌پاشد و بر کارکرد افراد خانواده تاثیرات منفی خواهد داشت. از آن‌جایی که خانواده، یکی از مهمترین حلقه‌ها در زنجیره مساله‌های اجتماعی، به‌ویژه مساله‌هایی مانند روابط فرازناشویی، طلاق و والدگری است، و با آسیب‌های متعددی روبروست بنابراین از مهمترین حوزه‌های ورود و فعالیت مددکاری اجتماعی محسوب می‌شود لذا شناخت عوامل زمینه‌ساز روابط فرازناشویی در جامعه و انجام مداخلات روانی و اجتماعی به‌منظور کاهش عوامل خطر، می‌تواند به کاهش آسیب‌ها و پیامدهای این روابط بینجامد و در نتیجه سلامت روانی و اجتماعی خانواده‌ها و جامعه را ارتقا دهد. در این راستا مقاله حاضر بر آن است تا با واکاوی روابط و تعاملات زوجین، به بررسی عوامل زمینه‌ساز روابط فرازناشویی در زنان، بپردازد.

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-10-10]

DOR: 20.1001.1.1735451.1399.9.4.6.5]

روش

دراین تحقیق کیفی، از روش تحلیل تماتیک یا موضوعی برای تحلیل داده‌های گردآوری شده، استفاده شده است. جامعه‌آماری پژوهش، را زنان مراجعه کننده به کلینیک‌های مددکاری اجتماعی و مراکز مشاوره شهرستان اسلامشهر که تجربه روابط فرازناشویی داشته و تمایل به همکاری درمانی داشتند، تشکیل داده‌اند. برای انتخاب نمونه‌ها ابتدا از نمونه‌گیری هدفمند و سپس نمونه‌گیری نظری استفاده شد. داده‌ها در خصوص موضوع مورد مطالعه، پس از مصاحبه با سی و چهار زن مشارکت‌کننده، به اشباع رسید. برای رسیدن به معیار قابلیت اعتماد از اقداماتی مانند مشارکت مداوم با فضای پژوهش، پیاده‌سازی سریع مصاحبه‌ها و نسخه نویسی از آن‌ها استفاده شد و از تکنیک کنترل یا اعتباریابی توسط اعضا بازبینی مصاحبه‌ها و تایید صحت متون پیاده شده و کدهای استخراج شده توسط مشارکت‌کنندگان و تکنیک ممیزی یا استفاده از نظر متخصصان در حوزه تحلیل محتوای کیفی و نظارت آنان بر مراحل مختلف کدگذاری، مفهوم سازی و استخراج مقولات استفاده شد. مصاحبه با شرکت‌کنندگان به‌صورت مراجعه حضوری به کلینیک‌ها و در فضایی صمیمی و آرامش‌بخش برگزار گردید. قبل از مصاحبه، اهداف پژوهش برای هر یک از افراد شرکت‌کننده، تشریح شد. با تاکید بر رعایت اصل رازداری حرفه‌ای و استفاده از اسامی مستعار یا مخفف، اجازه ضبط مصاحبه‌ها و یادداشت برداری در طول مصاحبه اخذ شد و به هر یک از شرکت‌کنندگان توضیح داده شد که می‌توانند در صورت عدم تمایل به پاسخگویی به سوالات از جواب دادن به آن امتناع کنند و یا حتی در صورت نیاز، به مصاحبه خاتمه دهند. در مجموع سی و چهار مصاحبه، انجام شد هر مصاحبه بین چهل دقیقه الی یک ساعت به طول انجامید و پس از هر مصاحبه، تجزیه و تحلیل با استفاده از روش کدگذاری انجام شد.

جدول(۱) ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه مورد مطالعه

کد	میزان تحصیلات	شغل زن	سن	سن ازدواج	طول ازدواج	شغل همسر	تعداد فرزندان
۱	دیپلم	خانه‌دار	۳۱	۲۰	۱۱	کارمند	۲
۲	کارشناسی‌ارشد	کارمند	۳۶	۲۸	۸	آزاد	۱
۳	سیکل	آرایشگر	۳۳	۱۶	۷	آزاد	۱
۴	کاردانی	خانه‌دار	۴۰	۱۵	۲۵	آزاد	۰
۵	دیپلم	خانه‌دار	۲۵	۲۱	۴	کارگر	۱
۶	کارشناسی	خانه‌دار	۳۳	۲۸	۵	کارمند	۰
۷	دیپلم	خانه‌دار	۲۶	۱۸	۸	روزمزد	۱
۸	دبیرستان	خانه‌دار	۳۸	۱۷	۲۱	کارگر	۲
۹	دبیرستان	خانه‌دار	۳۱	۲۱	۱۰	کارگر	۲
۱۰	کارشناسی	ماما	۴۲	۲۸	۱۶	کارمند	۱
۱۱	کارشناسی	کارمند	۲۸	۲۲	۶	آزاد	۱
۱۲	کاردانی	منشی	۲۳	۱۹	۴	کارگر	۰
۱۳	دیپلم	خانه‌دار	۲۲	۲۱	۱	بیکار	۰
۱۴	دیپلم	خانه‌دار	۲۹	۲۵	۴	کارگر	۱
۱۵	سیکل	خانه‌دار	۳۶	۲۸	۸	کارگر	۲
۱۶	سیکل	خانه‌دار	۳۸	۱۴	۲۲	آزاد	۲
۱۷	دیپلم	آرایشگر	۲۶	۱۷	۹	روزمزد	۱
۱۸	دیپلم	خانه‌دار	۳۰	۱۸	۱۲	مهندس	۲
۱۹	دبیرستان	خانه‌دار	۲۲	۲۱	۱	آزاد	۰
۲۰	کارشناسی	خانه‌دار	۳۵	۲۰	۱۵	آزاد	۲
۲۱	کارشناسی	کارمند	۳۷	۲۹	۸	مغازه‌دار	۱
۲۲	سیکل	خانه‌دار	۳۹	۳۰	۹	کارگر	۲
۲۳	دبیرستان	خانه‌دار	۴۳	۲۲	۲۱	کارگر	۳
۲۴	دیپلم	خانه‌دار	۲۹	۲۳	۶	مدیر	۱
۲۵	کاردانی	معلم	۳۳	۲۵	۸	بیکار	۰
۲۶	دیپلم	خانه‌دار	۴۹	۲۷	۲۲	آزاد	۲
۲۷	کارشناسی	خانه‌دار	۴۲	۲۴	۱۸	مهندس	۴
۲۸	دبیرستان	خانه‌دار	۲۴	۱۳	۵	آزاد	۱
۲۹	دیپلم	بهیار	۲۲	۱۸	۴	کارمند	۰
۳۰	دیپلم	خانه‌دار	۳۳	۲۷	۶	کارگر	۱
۳۱	دیپلم ردی	خانه‌دار	۲۸	۲۲	۶	معلم	۲
۳۲	سیکل	خانه‌دار	۳۶	۱۷	۱۹	کارگر	۱
۳۳	کاردانی	کارمند	۳۷	۳۳	۴	کارگر	۱
۳۴	کاردانی	خانه‌دار	۲۷	۱۶	۱۱	معلم	۲

یافته ها

در نمونه پژوهش حاضر، میانگین سنی زنان شرکت‌کننده در مصاحبه سی و دو و هفده صدم سال و میانگین سنی مردان سی و شش و بیست و نه صدم سال است. در دو مورد، سن زن بیشتر از مرد بود. میانگین اختلاف سنی در زوجین چهار و بیست و نه صدم سال بود. از نظر وضعیت اشتغال، هفتاد و سه و پنجاه و دو صدم درصد زنان خانه‌دار، بیست و سه و پنجاه و دو صدم درصد شاغل و دو و نود و چهار صدم درصد دانشجو بودند، میانگین سن زنان در هنگام ازدواج بیست و یک و هفت دهم سال بود. مدرک تحصیلی هفده و شش دهم درصد زنان کارشناسی، چهارده و هفتاد و شش صدم درصد کاردانی،سی و هشت و بیست و سه صدم درصد دیپلم و سی و دو و سی و پنج صدم درصد دیپلم بود. میانگین طول مدت ازدواج زوجین، ده و بیست و شش صدم سال بود.

روابط ناکارآمد: زیر مجموعه‌های این مقوله عبارتند از: ناآگاهی از نیازهای جنس مخالف، یادنگرفتن مهارت‌های ایجاد صمیمیت و تدوام بخشیدن به آن، نداشتن گفتگوی کافی و صمیمانه، نبود درک متقابل، سردی عاطفی، توسل به زور و خشونت، نداشتن گفت و شنود یا گفت و شنودهای ناکارآمد، الگوهای ارتباطی ناکارآمد، بی‌احترامی، بیان نکردن انتظارات و خواسته‌ها از یکدیگر، روابط سطحی و مقایسه کردن.

نداشتن گفت و شنود یا گفت و شنودهای ناکارآمد یکی از مهمترین اشکال روابط ناکارآمد است. گفتگو مهمترین مهارت در تحکیم بنیان و ایجاد فضای گرم درخانواده‌ها و فرصتی است تا افراد علایق، صمیمیت و کدورت‌های خود را ابراز و مانع ایجاد فاصله عاطفی بین زوجین شود. با توجه به اینکه بیشترین زمان مشترک زوجین صرف گفت و شنود با

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-10-10]

DOR: 20.1001.1.1735451.1399.9.4.6.5]

هم می‌شــود، بنابراین کیفیت و کمیت گفتگو، نقش مهمی در شــکلگیری تعاملات زوجین دارد. در ارتباط کلامی، نحوه صحبت، لحن کلام، کلمات به‌کار گرفته شده، موضوع، وقت و مکان صحبت برای طرفین، دارای اهمیت است. در کنار ارتبــاط کلامی، ارتباط غیرکلامی ماننــد حالات چهره‌ای و بدنی نیز نقش مهمی در کیفیــت روابط زوجین دارد و بهتر از کلمات، نفرت، عصبانیت و اضطراب را انتقال می‌دهد .شرکت‌کننده شماره دو: "من اوایل عادت داشتم درباره همه چی با شوهرم حرف بزنم وقتی با خوشحالی و شوق و ذوق یا با ناراحتی باهاش حرف می‌زدم اون هیچ عکس العملی نشون نمی‌داد انــگار نــه انگار یا با موبایلش بازی می‌کرد یا اخم می‌کرد یا با اطــراف ور می‌رفت. کم کم دیدم حرف زدن باهاش بی‌فایده است. حرف مشترکمون در حد سلام علیک شد."

بی‌احترامی به همسر، یکی دیگر از مهمترین ارتباطات ناکارآمد بین زوجین است که به‌شدت کیفیت روابط زوجین را پایین می‌آورد، احترام به همســر یک اصل مشــترک در تمامی روابط موفق و پایداراست و بی‌احترامی به همسر، اثرات مخربی در دراز مدت در روابط زوجین ایجاد می‌کند، بدگویی، توهین و تحقیر از مصادیق بی‌احترامی به همسر می‌باشد. که ضمن لطمه زدن به اعتمادبه‌نفس طرف مقابل، موجب فاصله گرفتن زوجین از یکدیگر و دلزدگی عاطفی همسر می‌شود. شرکت‌کننده شــماره چهارده: "تو زندگی هیچ وقت از رابطه‌مون خوشــحال نبودم شوهرم مدام منو تحقیر می‌کرد. من بر عکس شوهرم و خانواده‌اش، پوســتم تیره اســت همش به من می‌گفت مادرت تو رو به من انداخــت و... اصلا عادت کرده هر روز چند تا تیکه حواله من و خانوادم کنه... نمی‌دونید چه زجری می‌کشــم وقتی به پدرم که تازه فوت کرده فحش می‌ده چقدر ازش متنفر می‌شم."

ناآشــنایی با نیازهای جنس مخالف و نداشــتن درک متقابل و ناآگاهی شوهران از شرایط روحی و روانی زنان از مهمترین عواملی است که روی کیفیت روابط زوجین اثرات منفی خواهد داشت. شرکت‌کننده شماره نوزده "آدمی که اولین سالگرد عقد رو فراموش می‌کنه جز بی‌علاقگی و بی‌اهمیتی به تو چیو می‌خواد نشــون بده." ضعف در مهارت همدلی و احســاس مورد بی‌توجهی قرار گرفتن، سبب دلزدگی زناشویی و ایجاد شکاف عمیق عاطفی بین زوجین می‌شود .شرکت‌کننده شماره بیســت: "من به‌خاطر مشــکلاتی که از قبل داشــتم منظورم از بچگیه اضطراب شــدید و حمله پانیک بهم دست می‌داد اما شــوهرم نه تنها درکم نمی‌کرد همیشه به‌خاطر مشکلاتم و بیماریم مسخرم می‌کرد احساس می‌کردم هیچ ارزشی براش ندارم. اعتمادبه‌نفســمو کامل از دســت داده بودم از بس منو بی‌ارزش و بی‌عرضه می‌دید... کم کم ازش فاصله گرفتم با چند نفر تو فضای مجازی دوست شدم."

گاهی برخی از زوجین، به‌دلیل تســلط نداشتن بر مهارت حل مساله در چرخه معیوب لجبازی، انتقام و جبران‌های افراطی گرفتار شده و برای برتری جویی و حفظ نقش‌های خود اشتباهاتی اساسی و مخرب انجام می‌دهند که به اعتماد آنان ضربه وارد می‌کند. شرکت‌کننده شماره سی ویک: "همسر من آدم مذهبیه من فقط از روی لجبازی برای این که لجش رو دربیارم بهش خیانت کردم. همونجورکه شوهرم باعث عصبانیتم می‌شد و خردم می‌کرد باید خرد می‌شد و من این خرد شدنو باید می‌دیدم." مصاحبه‌ها نشــان داد برقراری رابطه فرازناشــویی، در مواردی ناشی از حس انتقام زنان بود و برخی از زنان بر خلاف میــل باطنی خود، به همسر خود خیانت کرده بودند تا او را در موقعیت خود قرار دهند و به او نشان دهند، حس مورد خیانت قرار گــرفتن چقــدر دردناک و غیرقابل تحمل است و یا چون از طرف همسر مورد خیانت قرار گرفته‌اند خودشان هم به‌نوعی می‌توانند و مجاز به مقابله به مثل هســتند و به‌نوعی بعد از خیانت همســر، به خود مجوز می‌دهند همسرشــان را در شــرایط مشابهی قرار دهند.

شــرکت‌کننده شــماره دوازده: "اولین بار وقتی به‌طور اتفاقی گوشی همسرم رو نگاه می‌کردم فهمیدم همسرم به من خیانت کرده و با چند نفر رابطه داره خیلی متعجب شــدم چون من از همه لحاظ از همســرم ســر بودم، همیشه فکر می‌کردم و فکر می‌کنم من از ســرش زیادیم... وقتی بهش گفتم گردن نگرفت اما من اطمینان داشــتم که این کار رو کرده بعد از اون فقط به انتقام فکر می‌کردم چون اون به من خیانت کرده بود یه جورایی به خودم حق می‌دادم من هم تعهدم رو زیر پا بزارم."

وجود رفتارهای طرد کننده در همسر، یکی از مواردی بود که در برخی از مصاحبه‌ها به‌عنوان عاملی برای دلزدگی عاطفی و برقراری ارتباط فرازناشویی از سوی سوژه‌ها، عنوان گردید. شرکت‌کننده شماره نه: "من به‌خاطر کارایی که می‌کرد عصبی بودم، کتکم می‌زد، بهم محبت نمی‌کرد... منوجلوی همه خرد می‌کرد... ازش متنفر بودم، بهترین راه واسه انتقام از مردای مثل اون

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-10-10]

DOR: 20.1001.1.1735451.1399.9.4.6.5]

خیانته، می‌دونستم چقدر براش مهم بود که کسی حتی به من نگاه هم نکنه.“ کنترل شدن از سوی همسر و متهم شدن به خیانت از طرف همسر، یکی از رفتارهای طرد کننده در همسر می‌باشد که می‌تواند زمینه‌ساز روابط فرازناشویی همسر گردد. شرکت‌کننده شماره بیست و هشت: ”شوهرم خیلی بدبینه، اوایل اجازه نمی‌داد گوشی بخرم با کلی ترفند یه گوشی ساده گرفتم، گوشیمو چک می‌کرد. حتی به تلفن من با خانوادم حساس بود. همش فکر می‌کرد من با مردای دیگه رابطه دارم... نمی‌ذاشت تنها برم خرید یا تنها خونه مادرم برم... یه تهمتی می‌زد که حتی فکرش هم به ذهنم خطور نکرده بود، خیلی از دستش عصبانی می‌شدم و ازش فاصله می‌گرفتم شوهرم هر روز فحش ناموسی می‌داد، بدترین حرف ممکن چیه؟ همونو می‌گفت...“

ناهمسویی و همراه نبودن زوجین با یکدیگر: وجود توافق و بینش مشترک، سبب کاهش منازعات و در نتیجه افزایش جاذبه بین همسران، پایداری ازدواج و توانایی در حل و رفع منازعات می‌باشد. به‌عبارت دیگر، همسانی، همسویی و هماهنگی، موفقیت زناشویی را بیشتر می‌کند و ناهمسانی، ناسازگاری و ناخشنودی را در پی‌دارد. وجود علایق و تجربیات مشترک در یک رابطه و ادراک آن از سوی طرفین مانند نیروی جاذبه‌ای افراد را به سوی هم سوق می‌دهد و جاذبه ارتباط را افزایش می‌دهد. همچنین زوجینی که در رابطه با اهداف زندگیشان دوستان مشترک، اعتقادات مشابه و... یکدیگر را تایید می‌کنند و در مورد عقاید کلیدی، شباهت کافی با یکدیگر دارند، می‌توانند از بروز اختلاف نظرهای جدی در مورد موضوعات، جان سالم به در برند. با وجود آن که زن و شوهر شخصیت‌های جداگانه‌ای هستند و هر یک علایق خاصی دارند، با این حال برای آن که به هم نزدیکتر باشند احتیاج به آن دارند که سرگرمی‌ها یا تفریحات مشترکی داشته باشند و ساعاتی را در کنار هم به آن مشغول باشند. شرکت‌کننده شماره بیست و یک: ”من و شوهرم خیلی با هم فرق داریم، دنیای ما اصلا مثل هم نیست من آدم پر شروشور و شیطونیم، دوست داشتم اونم مثل من باشه، اهل تفریح، گشت و گذار و لذت بردن از زندگی باشه و نیازهای منو برآورد کند... من اهل کوهنوردی و سفرم اما شوهرم اصلا تو این وادیا نیست خیلی آدم آروم و غیراجتماعی و گوشه‌گیری هست فقط دنبال کار کردنه. صبح می‌ره شب می‌یاد همین. هر روز تکرار می‌شه.“

خلل در عشق و احساس تعلق خاطر به همسر: شرکت‌کننده شماره بیست و هشت: ”همسرم در ابراز احساسات و محبت کردن خیلی ضعیفه اصلا بلد نیست محبت کنه، یه جمله محبت آمیز بهم نمی‌گه در حالی‌که من از هر چی که فکرشو کنی ازش سرترم، چه ظاهر، چه خانواده، چه تحصیلات و... وقتی زن و شوهرای دیگه رو می‌بینم که توخیابون با هم راه می‌رن به هم ابراز علاقه و عشق می‌کنن، عذاب می‌کشم.“

دریافت نکردن احساس همراهی همسر و نداشتن احساس امنیت در رابطه یکی از زمینه‌های خلل در عشق و احساس تعلق همسر و احساس ارزشمندی در رابطه می‌باشد و از آن‌جا که یکی از اساسی‌ترین نیازهای زنان در روابط صمیمی با همسرشان داشتن احساس امنیت است، نداشتن حس امنیت می‌تواند موجب احساس ارزشمند نبودن و در نتیجه نارضایتی از زندگی مشترک شود. امنیت احساسی و عاطفی موجب می‌شود احساس عمیق و درونی در مورد این که رابطه زناشویی، رابطه‌ای محکم و استوار و قابل اتکا است، به افراد دست دهد و موجب شود همسرشان را در عشق و علاقه جدی و ثابت قدم و متعهد احساس کنند. اطمینان یافتن زنان از عشق، تعهد و پایبندی همسر، یکی از موثرترین روش‌های تولید احساس امنیت روانی در آنان است.

شرکت‌کننده شماره هفده: ”سر زایمان دخترم گفتن که وضع بچه طوریه که باید سزارین بشه خیلی حالم بد بود، چشمم به در موند که شوهرم بیاد اما سه روز بعد از تولد بچم که مطمئن شد بچه سالمه سرو کلش پیدا شد، بدون اینکه حال من رو بپرسه. خیلی درد می‌کشیدم خیلی... من رو تو بدترین شرایط تنها گذاشت.“

کیفیت پایین رابطه جنسی: فعالیت و میل جنسی بخش جدایی ناپذیر ازدواج است. رضایت جنسی، رضایت زوجین از زندگی مشترک را تحت تاثیر قرار می‌دهد. رضایتمندی جنسی به‌عنوان وضعیتی تعریف شده که در آن همسران با تمایلات جنسی و کمیت و کیفیت جنسی یکدیگر سازگار شده باشند.

شرکت‌کننده شماره یک: ”خب من با عشق و علاقه با همسرم ازدواج کرده بودم. من برای خاطر اون هر کاری می‌کردم، چون عاشقش بودم، خیلی چیزا رو مهم نمی‌دونستم، یکیش رابطه جنسی بود...

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-10-10]

DOR: 20.1001.1.1735451.1399.9.4.6.5]

هــر موقع خــودش لازم داشــت می‌ومد، هر جوری که خودش می‌خواســت... من الکی می‌گفتم خوبه، راضی شــدم که بی‌خیال شه اما دیگه حتی نمی‌تونســتم نقــش بازی کنم وقتی می‌ومد سمتم بدم می‌ومد." یکی دیگر از مشــکلات بزرگی که زوجیــن با آن روبرو هستند مشــکل مهارت اندک در رابطه جنسی است و از آن‌جا که هیچ آموزش جنســی به افراد داده نمی‌شود بسیاری از افراد ناگزیر از مراجعه بــه آموزش‌های غیرمعتبرمی‌شــوند که گاهی باعث ایجــاد تصورات و توقعاتی در افراد می‌شــود که لزوما صحیح و مطابق با واقعیات نیست و می‌تواند زمینه‌ساز ناامیدی جنسی افراد شده و موجب احساس نارضایتی آنان از رابطه شود. همین مساله باعث احساس خشم و دوری زوجین از یکدیگر می‌شــود که تبعات زیادی را برای آنان در برخواهد داشت که از آن جمله برقراری روابط فرازناشویی برای تصور تجربه لذتی است که تاکنون تجربه نکرده‌اند.

شرکت‌کننده شماره نه:"من هیچ لذتی از رابطه زناشویی نمی‌بردم، هر موقع شــوهرم باهام رابطه برقرار می‌کرد حس بدی پیدا می‌کردم ولی بــا ایــن وجــود نیــاز شوهرم رو برطرف می‌کردم، رابطش بدون رضایت من، بدون آمادگی و آرامش من بود چون فقــط اون ارضــا می‌شد، ازش متنفر می‌شــدم هر وقت نیاز داشــت به من محبت می‌کــرد، این یعنی می‌تونه محبــت کنه اما چون لجبازه، نمی‌کنه. از این حس متنفرم، حس می‌کنم به من تجاوز شده."

تفاوت در تمایلات جنســی زن و شوهر، یکی دیگر از مواردی بود که زنان در مصاحبه به آن اشاره کردند. که نشان می‌دهد میل جنسی بالای زوجه در مقابل میل جنسی پایین همسر و برطرف نشدن نیازهای جنسی در گرایش آنان به روابط فرازناشــویی موثر بوده اســت. شــرکت‌کننده شــماره بیســت و چهار: "من آدم خیلی گرمی هســتم. اما شوهرم آدم سردیه، فکر کنم سردمزاجه، فقط یک یا دو بار در هفته رابطه داریم اونم من باید برم جلو. من نمی‌تونم به این رابطه کم راضی بشم."

روابط نامتعارف، توسل به خشــونت، خواسته‌های نامعقول و توقعات آسیب‌رسان یکی دیگر از مفاهیم به‌دست آمده در مصاحبه‌ها می‌باشد، شرکت‌کننده شماره سی:"شوهرم خیلی تو رابطه اذیتم می‌کرد (با گریه) تو رابطه یه حرفایی می‌زد که حالم ازش بهم می‌خورد... تو رابطه اســم خواهرم، اسم خالم، زنای همسایه رو می‌آورد."

در مجمــوع می‌توان نتیجــه گرفت عوامل بین فــردی نحوه تعاملات زوجین، با شــکوفایی احساسات و عواطف در بین زوجین موجب رشد و پویایی در رابطه می‌شــوند اما بی‌توجــه به این عوامل می‌تواند منجر به شکست در رشد و پویایی رابطه زناشویی شود و موجب افزایش نارضایتی و روابط فرازناشــویی گردد. می‌توان گفت بروز روابط فرازناشــویی در زنان یک اتفاق آنی نیســت بلکه فرایندی است که در طول زمان شکل می‌گیرد. در طول زندگی مشــترک، هسته اساسی زندگی زناشویی، یعنی محبت و عشــق ورزی از همــان اوایل زندگی یا شــکل نگرفته یا از آن مراقبت نشــده اســت تا جایی که زنان با خلل در عشق و احساس تعلق خاطر به همســر مواجه شــده و پاسخ نگفتن به نیاز به عشق و محبت را در دوره‌هایی از زندگی مشترک، تجربه کرده‌اند. ناهمسویی و همراهی

نمودار(۱) مدل مفهومی تحقیق نگارندگان

جدول(۲) مقوله‌ها و مفاهیم به‌دست آمده از مصاحبه‌ها

زمینه اصلی/// مضامین تعیین کننده۱(مفاهیم به‌دست آمده)-- مضامین تعیین کننده۲(مفاهیم به‌دست آمده)---...
عوامل تاثیرگذار بین فردی (تعاملات زوجین)/// خلل در عشق و احساس تعلق خاطر به همسر(علاقه نداشتن و احساس صمیمت نکردن، تردید در مورد تعهد همسر، دریافت نکردن توجه کافی از طرف همسر و احساس بی‌تفاوتی همسر، رفتارهای طرد کننده، ابراز نکردن کلامی و غیرکلامی محبت، دریافت نکردن مراقبت از طرف همسر، احساس امنیت عاطفی و احساسی نداشتن و تامین نشدن نیازهای عاطفی---ناهمسویی و همراهی نکردن یکدیگر(ناهمسویی در افکار، باورها، علایق و تمایلات، همراهی نکردن و مشارکت نداشتن، احساس درک نشدن متقابل، لذت نبردن از همراهی با همسر، نبود نقاط اشتراک با همسر)--- کیفیت پایین رابطه جنسی(رابطه جنسی نامطلوب، براورده نشدن نیازهای جنسی، روابط جنسی سرد و یکنواخت، نداشتن تجربه لذت جنسی، تغییر ارزش‌های جنسی، ناآگاهی زوج از نیازهای جنسی زوجه، سرد مزاجی زوج، نداشتن جذابیت جنسی، ضعف در مهارت‌های زناشویی، زود انزالی، خود محوری مرد در رابطه و توجه نکردن به خواسته‌ها و نیازهای جنسی زن، اجبار به روابط جنسی نامتعارف، توسل به خشونت در روابط زناشویی)-- روابط ناکارآمد(ناآگاهی از نیازهای جنس مخالف، نیاموختن مهارت‌های ایجاد صمیمیت و تدوام بخشیدن بر آن، نداشتن گفتگوی کافی و صمیمانه، نبود درک متقابل، سردی عاطفی، توسل به زور و خشونت، گفت و شنود نکردن یا گفت و شنودهای ناکارآمد، الگوهای ارتباطی ناکارآمد، بی‌احترامی، بیان نکردن انتظارات و خواسته‌ها از همدیگر، مقایسه کردن، انتقام از همسر)

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-10-10]

DOR: 20.1001.1.1735451.1399.9.4.6.5]

نکردن یکدیگـر، نپرداختن به تفریحات زوجی مشـترک و نگذراندن زمان کافی با هم باعث شـده شـکاف‌های زندگی عمیقتر شود. ارتباط ناکارآمدی که در آن توهین، تحقیر، استفاده از تهدید، گفتگو نکردن، کیفیت پایین روابط زناشویی، ناآشنایی و پاسخ نگفتن به نیازهای جنس مخالف موج می‌زند، به‌دلیل محدود کردن مسیر استفاده از استراتژی‌های حل تعارض، حل مساله و مقابله با استرس به‌عنوان یک ابزار کارآمد که می‌توانسـت به کمک زوجین بیاید به ابزاری دردسرساز تبدیل شـده و تعامل این زمینه‌ها، موجب دلزدگی عاطفی و شکست در رشد و پویایی رابطه شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشـان داد بیشـترین میزان روابط فرازناشویی زنان، با میزان چهل و چهار و یازده صدم درصد در سنین سی ویک تا چهل سال به وقوع پیوسته است. بیشترین فراوانی از نظر طول مدت ازدواج، با میزان سی و هشت وبیست و سه صدم درصد متعلق به زوجینی است که شش الی ده سال زندگی مشترک داشته‌اند. این یافته، با یافته لیو که نشان داد روابط فرازناشویی در سال هفتم ازدواج به اوج خود می‌رسد[٦] و پژوهش فتحی و همکاران که حاکی از فراوانی بیشتر این آمار در طول ده سـال اول زندگی مشـترک است، همخوانی دارد. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که هفتاد و سه و پنجاه و دو صدم درصد زنان خانه‌دار و فاقد شـغل بودند. این یافته بـا نتایج پژوهش، آتکینز و همکاران که براسـاس آن، میزان وقوع روابط فرازناشـویی در بین زوجینی که تنها یکی از آن‌ها شـاغل است، بیش از زوجینی است که هر دوی آن‌ها شاغل هسـتند[٧] همخوانی دارد. در پژوهش حاضر هفتاد و نه و بیسـت و دو صدم درصد از زوجین دارای فرزند بودند. این یافته نشـان داد که بر خلاف نظر پژوهشـگرانی مانند لیو که داشتن فرزند را عاملی برای افزایش تعهد زوجین به یکدیگر و نوعی سرمایه گذاری برای والدین می‌داند، داشتن فرزند، در عمل نتوانسته است مانع از ورود زنان به روابط فرازناشویی گردد.

بررسـی روایات زنان در این پژوهش نشـان داد خلل در عشـق و احساس تعلق خاطر به همسـر، یکی از مضامین به‌دست آمـده از مصاحبه‌هـا و در بردارنده مفاهیمی مانند بی‌علاقگی و احسـاس دوری، دریافت توجه ناکافی از طرف همسـر و احسـاس بی‌تفاوتی همسر، ترک همسر در سـختی‌ها، تردید در مورد تعهد همسر، دریافت نکردن مراقبت از جانب همسر، احسـاس امنیت عاطفی و احساسی نداشتن می‌باشـد. همان‌گونه که یک ازدواج خوب می‌تواند بهترین وسیله تامین نیاز به عشـق و تعلق خاطر باشـد، خلل در مسیر دسـتیابی به آن، موجب احساس ناکامی در فرد می‌شـود. ابراز احساسات نقش مهمی در شکل‌گیری علاقه و احساس تعلق خاطر زوجین به یکدیگر دارد به‌طوری که در افرادی که رضایتمندی بیشتری از زندگی مشترکشـان دارند، میزان ابراز احساسات بیشتر است و اشتراک گذاری افکار و ایده‌ها باعث پویایی رابطه و افزایش رضایتمندی رابطه شده و در نقطه مقابل، بی‌توجهی زوجین به یکدیگراست که مانع دستیابی به یکی از منابع رضایتمندی و صمیمیت در ازدواج می‌شود. صمیمیت یکی از نیازهای انسانی و یک فرایند تعاملی، پویا و ترکیبی است که ابعاد گوناگونی دارد. صمیمیت عاطفی از طریق در میان گذاشـتن و سـهیم شـدن زوجین در کلیه احساسـات اعم از احساسات مثبت و احساسات منفی با همسرشکل می‌گیرد. نیاز به صمیمیت روان‌شناختی که از طریق ارتباط برقرار کردن و پیوند فرد از طریق افشای مطالب مهم در مورد خود حقیقیش، نقش مهمی در شکلگیری علاقه و احساس تعلق خاطر زوجین به یکدیگر دارد. دریافت توجه ناکافی و دریافت نکردن مراقبت از طرف همسـر، مانع جدی در دسـتیابی به احساس تعلق خاطر بین زوجین است که می‌تواند به گسست عاطفی و دلزدگی عاطفی زوجین منجر شود. تامین نیازهای عاطفی و روانی یکی از مهمترین اهداف زنان از ازدواج می‌باشـد. در حالی که ارضای نیازهای عاطفی زنان، موجب می‌شـود زنان نیز سرمایه‌گذاری عاطفی بیشتری برای زندگی زناشویی خود داشته باشند، ناتوانایی مردان برای ارضا این نیازها می‌تواند احساس محرومیت زیادی را در زنان به دنبال داشته باشد و این احساس را در آنان به‌وجود آورد که همسرش، از پس تامین این نیازها بر نمی‌آید و وی را از این نظر تنها گذاشـته است. این احساس می‌تواند نقطه شروع جستجوی روابط فرازناشویی شود. گلسر، تجربه مجدد صمیمیت فردی و جنسـی را مهمترین انگیزه زن و مرد متاهلی می‌داند که به سـوی روابط نامشـروع کشـیده می‌شود. نتایج پژوهش لین فلندر و زوولنسـکی نشـان داد که نود درصد افراد برآورده نشدن نیازهای عاطفی را، علت رابطه فرازناشویی خود عنوان کرده‌اند.[٨] ضعف در مهارت‌های ارتباطی و ارتباطات ناکارآمد، یکی دیگر از مقوله‌های اصلی شناسایی شده در مصاحبه‌ها

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-10-10]

DOR: 20.1001.1.1735451.1399.9.4.6.5]

بود، ارتباطات مناسب و کارآمد، منجر به صمیمیت روان‌شناختی و رضایتمندی زوجین می‌گردد. روابط فرازناشویی، به‌ویژه در زنان، بیش از هر موضوعی، بازتاب مشکلات ارتباطی زوجین است. در اکثر اوقات افراد به این دلیل که رابطه با همسرشان، رابطه موثر و سالمی نیست، رابطه با شخص سوم را آغاز می‌کنند. گفتوشنود موثر، رابطه شفاف و بیان مستقیم خواسته‌ها و انتظارات، همراهی و مشارکت در تصمیمگیری‌ها، سعی در تمرکز بر علایق همسو، نشانگر یک الگوی ارتباطی سالم است و برعکس ضعف در مهارت‌های گفتگو، مذاکره، برقراری روابط صمیمانه، حل مساله، باعث بروز مشکلات متعدد بین زوجین و گسست عاطفی زوجین است. همدلی، ارتباط موثر و مهارت حل‌مساله از مهمترین مهارت‌های مورد نیاز برای حل اختلافات و تعارضات زناشویی است. زوجین با توسل به مهارت‌های ارتباطی و ایجاد ارتباط کارآمد، می‌توانند با وجود تفاوت‌های فردی، در زمینه‌های مختلف به توافق لازم دست یابند. اما تسلط نداشتن بر این مهارت‌ها، تعارضات و نارضایتی‌های بسیاری برای زوجین ایجاد می‌کند که به مرور زمان منجر به گسست عاطفی بین زوجین می‌شود. وجود تعارضات زناشویی متعدد و احساس نارضایتمندی در کنار یکدیگر، از عوامل اصلی برای کشانده شدن زنان به روابط فرازناشویی می‌باشد. گسست عاطفی، می‌تواند منجر به بروز روابط جدید و تمایل به پر کردن خلاهای عاطفی توسط دیگران شود، کاهش تاب‌آوری زوجین در برخورد با مشکلات و اختلافات معمول، از دیگر اثرات این گسست عاطفی است. پژوهش‌های متعددی همسو با این یافته است. یافته‌های پژوهش رامیرز، نشان دهنده آن است که ارتباط کارآمد و رفتارهای نگهدارنده رابطه در افراد، نقش تعیین‌کننده‌ای در تعهد زوجین دارد.[۹] طبق نتایج فونگ، ونگ و تام نیز بین روابط فرازناشویی و تعارضات زناشویی، رابطه معناداری وجود دارد.[۱۰] همچنین یافته‌های پژوهش اسماعیل پور و همکاران نشان داد که آموزش مهارت‌های ارتباطی سازنده نقش مهمی در رضایت زناشویی و کاهش آسیب‌های نارضایتی آنان از زندگی مشترک دارد.[۱۱] در مجموع می‌توان گفت بسیاری از جنبه‌های رابطه زوجین می‌تواند رضایت کلی آنان از ازدواج را متاثر سازد و از این طریق منجر به کاهش بی‌تعهدی در آنان شود که از جمله می‌توان به مواردی مانند تسلط بر برقراری ارتباط موثر، تعاملات مثبت با همسر، مدیریت تعارضات، مهارت حل مساله و داشتن مهارت‌های لازم برای ایجاد صمیمیت و تداوم آن، اشاره کرد و برعکس ضعف در این مهارت‌ها با افزایش نارضایتی بین زوجین می‌تواند زمینه‌ساز روابط فرازناشویی گردد.[۱۲] این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های گریف، هیلدگراد و مالرب که نشان دادند زوجینی که درباره عقاید خود نسبت به هم، عقاید نسبت به روابط زناشویی و عقاید نسبت به اهداف زندگی صحبت می‌کنند و در این گفتگو توجه خود را نسبت به نیازها، علایق و عقاید دیگری نشان می‌دهند، ازدواج پایدارتری خواهند داشت[۱۳] و با پژوهش پتی که نشان داد آموزش مهارت‌های ارتباطی، در بهبود روابط زناشویی و افزایش رضایتمندی زوجین تاثیرگذار است،[۱۴] همسو است. ناهمسویی و همراهی نکردن زوجین با یکدیگر، از دیگر مضامین استخراج شده از مصاحبه‌ها و دربردارنده مفاهیمی مانند ناهمسویی در افکار، باورها، علایق و تمایلات، همراهی نکردن و مشارکت نداشتن در زمینه‌های مختلف و لذت نبردن از همراهی با همسر، می‌باشد. در تبیین این موضوع می‌توان گفت در حالی‌که ازدواج‌های پایدار با همسویی در افکار، باورها و نگرش‌ها، مشورت و همفکری و تصمیمگیری مبتنی بر اشتراک‌گذاری افکار و ایده‌ها همراه است و باعث پویایی رابطه و افزایش رضایتمندی در رابطه زوجین می‌شوند و از این طریق، احتمال بروز روابط فرازناشویی را کاهش می‌یابد، ناهمسویی در افکار، علایق و اولویت‌های زندگی، می‌تواند در ایجاد صمیمیت لازم بین زوجین فاصله ایجاد کند و زمینه‌ساز درک نکردن متقابل و جدایی زوجین گردد، با نظریه همسان‌همسری همسو می‌باشد. این یافته‌ها با پژوهش لپویر، که نشان داد همسانی در ویژگی‌ها و خصوصیات فردی و اجتماعی در زوجین، منجر به افزایش رضایت و تداوم رابطه می‌شود، نیز همخوانی دارد.[۱۵]

مضمون مشکلات جنسی و نارضایتی زناشویی، یکی دیگر از مضامین به‌دست آمده از مصاحبه‌ها می‌باشد که شامل مفاهیمی مانند رابطه جنسی نامطلوب، ارضا نشدن نیازهای جنسی، روابط جنسی سرد و یکنواخت، لذت جنسی نبردن، تغییر ارزش‌های جنسی، ناآگاهی از نیازهای جنسی زن، سرد مزاجی زوج، نداشتن جذابیت جنسی زوج، زود انزالی، خود محوری مرد در رابطه و بی‌توجه به خواسته‌ها و نیازهای جنسی زن، اجبار به روابط جنسی نامتعارف و توسل به خشونت در

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-10-10]

DOR: 20.1001.1.1735451.1399.9.4.6.5]

رابطه می‌باشد. بر اســاس نظر پاسخگویان، نارضایتی از روابط جنسی، یکی از مهمترین عوامل گرایش به روابط فرازناشویی محسوب می‌شود. رضایتمندی جنسی به وســیله احساس رضایت از کیفیت تعامل جنسی و فقدان یک کژکارکردی جنســی توصیف شــده اســت،[۱۶] کیفیت زندگی جنســی از سوی متخصصان و بســیاری از زوجین، از مولفه‌ای همبســته با کیفیت روابط صمیمانه است[۱۷] بنابراین رضایت جنسی و رضایت از رابطه زناشویی با هم همبستگی دارند و صمیمیت جسمانی، متغیری مهم در رضایت جنسی محسوب می‌شود. احســاس ناکـامی، سرخوردگی و ناایمنی ناشی از فقدان رضایت جنسی، می‌تواند سـلامت روان‌شناختی همســران را با خطر روبرو کند.[۱۸] زوج‌های بـا رضـایت زناشــویی ادراک شــده بالا، توافق زیادی با یکدیگــر دارند، از نوع و سطح روابطشـان، نـوع و کیفیـت گذران اوقات فراغت، رضایت دارند و مــدیریت خـوبی در زمینـه وقـت و مســایل مـالی خودشـان اعمال می‌کنند.[۱۹] لوین معتقد اســت زنان صمیمیت جنســی را پیش زمینه تعاملات جنســی می‌دانند، درحالی‌که مردان انتظـار دارند از تعاملات جنســی به صمیمیت جنسی دســت یابند. در رابطه جنسی دوطرفه نیاز مبرمی به مشـارکت دو جانبه وجود دارد. اگر در چنین روابطی همیشه یــک فرد پیش‌قدم شــود و فرد دیگر صرفا برای رضایــت او وارد رابطه شــود و علایق و خواســته‌های خود را زیر پا گذارد، به مرور زمان نقش فرد منفعل و بی‌ثبات و شکننده خواهد شد. در این تحلیل با تغییر یافتن میزان صمیمیت و احترام و عاطفه بین آن‌ها در طول زمان، میل جنســی متفاوتــی را تجربه خواهند کــرد[۲۰] یافته‌های این پژوهش، همســو با پژوهش‌های ویتســون[۲۱] گلاس، مگان، لواندوسکی و آکرمن۲۰۰۶ و یافته‌های پژوهش زمینه‌یابی ترز و جیســن[۲۲] می‌باشــد. لازم به ذکر اســت نیاز جنســی، به‌ویژه برای زنان، نیازی ترکیبی است و دارای ابعاد متعددی از جمله بعد جســمی، بعد روان‌شناختی(نیاز به آرامش، تعلق، دلبستگی، اقتدار)، بعد انســانی(نیاز به احترام و...) می‌باشد که حفظ این ابعاد، نقش مهمی در کیفیت زندگی زناشویی زوجین دارد. رضـایت جنسی به‌خصوص در اوایل زندگی زناشویی، چارچوبی را برای زوجین ایجاد می‌کند کــه در آن می‌توانند عشــق، صمیمیت، لذت و محبت را به بهترین شــکل ممکن تجربه کنند. پژوهش‌ها نشــان داده است که رضایت جنسی، باعث افزایش صمیمیت بین زوج‌ها، افزایش رضــایت آن‌ها از یکــدیگر و در نتیجه افزایش سلامت روان آن‌ها می‌شود.[۲۳] رابطه جنسی، می‌تواند منعکس‌کننده رضایت زوجین از سایر جنبه‌های زندگی مشترک باشد و آن‌ها را تحت تاثیر قرار دهد. احساس ناکـامی، سرخوردگی و ناایمنی ناشی از فقدان رضایت جنسی، می‌تواند سـلامت روان‌شناختی همسـران را با خطر روبرو کند و زمینه‌ساز روابط فرازناشویی گردد.

محدودیت‌هـا: ایــن پژوهــش در سال۱۳۹۸ اجرا شده اســت. با توجه به اینکه در پژوهــش حاضــر از روش نمونه‌گیــری هدفمند استفاده شده اســت و افراد نمونه از میــان مراجعین بــه کلینیک‌هــای مددکاری اجتماعی و مراکز مشــاوره انتخاب شــده‌اند بنابراین امــکان تعمیم یافتن پژوهش به جامعه بزرگتر کاهش می‌یابد. ســعی شده با استفاده از ظرفیت تمــام مراکز موجود و افزایش تنوع در انتخــاب نمونه‌ها، بــه نمونه‌های معرفتری دست یافت. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتــی از روش نمونه‌گیری تصادفی اســتفاده گــردد تا بتــوان به درک بهتــر و جامعتری از تجربه زیســته این افراد و عوامل شکل دهنده و تاثیرگذار بر پدیده، دست یافت.

پیشــنهادها: -افزایش آگاهــی زوجین و حساسزایی آنان نســبت به عوامل زمینه‌ساز روابط فرازناشــویی و افزایش آگاهی زوجین درباره پیامدهای آن بر فرد، خانواده و جامعه با برگزاری کارگاه‌های آموزشــی در ســطوح مختلــف جامعــه توســط مراکز آموزشــی، فرهنگی، اجتماعی و سازمان‌های مردم نهاد.

-برپایــی کارگاه‌هــای آموزشــی، جهــت آشــنایی زوجین با نیازهــای عاطفی و روانی جنس مخالف. -اســتفاده از توان و پتانسیل رسانه‌های جمعی برای فرهنگسازی و آموزش شیوه صحیح مدیریت رابطه. -آموزش تربیت جنســی هدفمند در ســطوح مختلف جامعه توســط مراکز آموزشــی، فرهنگی، اجتماعی و ســازمان‌های مردم نهــاد، با توجــه به تابو بودن مسایل جنســی در ایران و کتمان شدن مسایل جنسی در خانواده‌ها که موجب ایجاد چالش‌های جدی و عمیق در زندگی زناشویی زوجین می‌شود.

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-10-10]

DOR: 20.1001.1.1735451.1399.9.4.6.5]

منابع

References:

1. Fathi M, Fekr Azad H, Ghaffari Gh, Boalehri J. Factors underlying women's marital infidelity. Social Welfare Quarterly. 2013 ;51(4): p,109-132.[Persian]
2. Firoozjaeian A. The phenomenological study of the causes of marital infidelit., Quarterly Iranian Journal Of Social Studies.2017;11(1): p,123-147[Persian]
3. Kubrebwa M. Dzimiri W. Unmaking factors that propel men into extramarital affairs as perceived by men in Gweru's Mkoba suburb: Zimbabwe. Scholars Journal of Arts, Humanities and Social Sciences.2015; 3(1): p, 252-256.
4. Millar B. Behavioral reactions to emotional and sexual infidelity: Mate abandonment versus mate retention. Evolutionary Behavioral Science Journal. 2017; 11(4): p, 336-340
5. Shackelford T. Besser A, Goetz, A.T. Personality, marital satisfaction, and probability of marital infidelity. Individual Differences Research. 2008; 6(1): p, 13-25.
6. Liu C. A theory of marital sexual life. Journal of Marriage and the Family. 2000; 62(2): p,363–374
7. Atkins D.C, Baucom D.H, Jacobson N.S. Understanding infidelity: Correlates in a national random sample. American Psychological Association. 2001;15 (4): p,735-749.
8. Leen-Feldner E.W, Zvolensky M.J, Feldner M.T. Behavioral inhibition sensitivity and emotional response suppression: A laboratory test among adolescents in a fear-relevant paradigm. Journal of Clinical Child & Adolescent Psychology. 2004; 33(4): p,783-791.
9. Ramirez A. An examination of the tripartite approach to commitment: An actor-partner interdependence model analysis of the effect of relational maintenance behavior. Journal of Social and Personal Relationships. 2008 ;25(6): p, 943-965
10. Fung S.C, Wong C.W, Tam S.M. Familial and extramarital relations among truck drivers crossing the Hong Kong-China border. Journal Of Sex & Marital Therapy.2009;35(3):p,239-244.
11. Ismailpour Kh, Khajeh V, Mahdavi N.Predicting marital satisfaction of spouses based on communication beliefs and communication skills. Quarterly Journal Of Family Research. 2013; 33 (9), 29-44.[Persian]
12. Rogoff L. The influence of family communication patterns, marital typology, and level of intimacy on marital satisfaction for couples living in the United States. (Dissertation). Minneapolis: Walden University; 2013
13. Greef A.P. Charactersiecs of families that function well. Journal Of Family Issues. 2000; 21(8): p, 948- 963.
14. Petty B.D. Marriage education: A groundea theory study of the positive influence of the educational experience on the marriage relationship. (Dissertation). University of Idaho; 2008
15. Lepoire B.A. Family communicatin, nurtoaning and control in a changing world. U.S.A: Sage Publications, Inc; 2006
16. Bodenmann G, Ledermann T, Bradbury, T. Stress, sex, and satisfaction in marriage. Personal Relationships. 2007;14(4): p, 551-569
17. Byers E.S. Relationship satisfaction and sexual satisfaction: A longitudinal study of individuals in long-term relationships. Journal of Sex Research. 2005; 42(2): p, 113-118.
18. Brezsnyak M, Whisman M. Sexual desire and relationship functioning; it's effect of marital satisfaction and power. Journal of Sex and Marital Therapy. 2004; 30(3): p, 199-217.
19. Greef A.P. Charactersiecs of families that function well. Journal Of Family Issues, 2000; 21(8): p, 948- 963.
20. Levine S.B. Reexploring the concept of sexual desire. Journal of Sex & Marital Therapy. 2002; 28(1): p,39-51.
21. Whitson S, El-Sheikh M. Marital conflict and health: Processes and protective factors. Aggression and Violent Behavior. 2014; 8(3): p,283–312
22. Treas J, Giesen D. Sextual infidelity among married cohabiting Americans. Journal of Marriage And The Family. 2000; 62(2): p, 48-60.
23. Yoo H, Bartle-Haring S. Day R.D, Gangamma R. Couple communication, emotional and sexual intimacy, and relationship satisfaction. Journal of Sex & Marital Therapy. 2014; 40(4): p, 275-293

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-10-10]

DOR: 20.1001.1.1735451.1399.9.4.6.5]